



فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش
سال دهم، شماره سوم، پیاپی ۲۷



شناسایی عوامل نقش پذیر بر جایگاه آموزشی رشته کارشناسی علوم ورزشی از منظر یادگیری کارآفرینانه

زینب مندعلی زاده^{۱*}، کریم زهرهوندیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۷

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، شناسایی عوامل نقش پذیر بر جایگاه آموزشی رشته کارشناسی علوم ورزشی از منظر یادگیری کارآفرینانه بود.

روش شناسی: روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی هرمونوتیک بود. مشارکت کنندگان شامل دانشجویان و استادان رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی بودند که ۲۳ نفر انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند بود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. ابزار مورد استفاده، مصاحبه عمیق و باز بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد کدگذاری تحلیلی بود. اعتمادپذیری از طریق از مشارکت بلندمدت و همه‌جانبه نگری مآخذ داده تعیین شد و ضریب توافق درصدی ۸۳ درصد به دست آمد.

یافته‌ها: ۴۹ مضمون فرعی و ۸ مضمون اصلی از مصاحبه‌ها شناسایی شد. مضامین اصلی از قبیل؛ شناخت زمینه‌های کارآفرینی در شرایط تجربی، ساختار دانشگاهی، محتوا و کیفیت برخی دروس، همکاری بین نهادی، دانش و نگرش استادان، بازنگری عنوان و محتوای درسی، فرایند انتقال آموزشی دروس و تقویت فرایند عملی یادگیری به‌عنوان عوامل اثرگذار بر یادگیری کارآفرینانه در دانشکده‌ها عنوان شد.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین مسئله، برنامه‌های آموزشی است که رویکردها و سرفصل‌های صرفاً تئوری، نمی‌تواند جایگاهی به‌منظور تقویت یادگیری کارآفرینانه در بین دانشجویان داشته باشد و بازنگری جامع و اصولی برنامه‌ها و شیوه آموزش به‌منظور تقویت دانش، نگرش و مهارت و انطباق این آموزش‌ها با نیازهای جامعه می‌تواند رشته علوم ورزشی را در جهت توسعه و پویایی کارآفرینانه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: ساختار دانشگاهی، محتوای دروس، مهارت کارآفرینانه، یادگیری تجربی

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه اراک، اراک، ایران ۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: z-mondalizade@araku.ac.ir

مقدمه

حل مشکلات اشتغال و بهره‌وری، شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه، القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی و تجدید نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر است (شاه‌حسینی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، آموزش کارآفرینی روزبه‌روز در حال تحول است (ولش و همکاران^۴، ۲۰۱۶). آموزش کارآفرینی در فرایند ارائه استراتژی‌های شناختی به دانشجویان نقش مهمی ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که دانشجویان را قادر می‌سازد تا رویکردی که منجر به موفقیت کسب‌وکار می‌شود را درک کنند. مادامی‌که جوانان اهداف فردی بدون استراتژی شناختی لازم را داشته باشند اهداف آن‌ها تنها یک رؤیا است. آموزش کارآفرینی می‌تواند مسیری را برای رسیدن به اهداف آن‌ها نشان دهد، علاوه بر این آموزش کارآفرینی می‌تواند تکنیک‌های حل مسئله را برای کمک به دانشجویان فراهم آورد. بحث کارآفرینی در دانشگاه به معنای اندیشیدن به فضای کسب‌وکار، ایده و رسیدن به بازار ایده است. در واقع، آموزش کارآفرینی به‌عنوان پدیده‌ای^۵ شناخته شده است که نیاز به بصیرت گسترده‌تری بر اساس اصول فلسفی دارد (هانون^۶، ۲۰۰۵).

کارآفرینی یک فرایند یادگیری است و از سوی دیگر، یادگیری نیز بخش اصلی فرایند کارآفرینی را تشکیل می‌دهد. یادگیری کارآفرینانه^۷ به‌عنوان یک فرایند مستمر که توسعه و ارتقای دانش و علم موردنیاز را برای شروع موفق یک فعالیت و اداره مخاطرات میسر

کارآفرینی و توجه به ابعاد کارآفرینی در دانشگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌گونه‌ای که نسل سوم دانشگاه‌ها به‌عنوان دانشگاه‌های کارآفرین معرفی شده است. در واقع، نه‌تنها توجه به تولید علم، یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه و پیشرفت کشور است، بلکه علاوه بر تولید علم، ایجاد ذهنیت کارآفرینانه و به‌کارگیری علم در عمل و توانمندسازی فارغ‌التحصیلان در زمینه اشتغال نیز جایگاه خاص خود را در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع به دست آورده است (قاسمی و امامی‌میبدی، ۱۳۹۴). لازمه کارآفرینی، داشتن دانش، مهارت، انگیزه و نگرش به کارآفرینی است، چراکه منشأ برخی از کارآفرینی‌ها در جامعه امروز ایران، به فارغ‌التحصیلان توانمند برمی‌گردد، اما آنچه امروزه مشاهده می‌شود و به‌عنوان مهم‌ترین معضل برای اقتصاد و جامعه شناخته شده است، بحث بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی است (دباغ، ۱۳۸۴). این مسئله که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها مهارت لازم را برای کارآفرینی نداشته باشند یا نتوانند از توانمندی‌های خود برای کارآفرینی استفاده کنند معضلی است که لزوم توجه به وضعیت برنامه‌های آموزشی کارآفرینانه محور و توجه به عوامل مؤثر بر جایگاه برنامه آموزشی را می‌طلبد. در یک تعریف ساده، آموزش کارآفرینی فرایندی نظام‌مند^۱، آگاهانه^۲ و هدف‌گرا^۳ است که طی آن افراد غیر کارآفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌گردند. اهداف آموزش کارآفرینی، کسب دانش مربوط به کارآفرینی،

4. Welsh et al

5. Phenomena

6. Hannon

7. Entrepreneurial Learning

1. Systematic process

2. Conscious

3. Goal-driven

(رتن^۵، ۲۰۱۸) در نتیجه یکی از راهبردهای ارتقای کارآفرینی در مراکز آموزش عالی، آموزش کارآفرینی است (شاه‌حسینی، ۱۳۸۸) که در این راستا، دانشگاه‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های آموزشی برای ارتقاء کارآفرینی، مهارت‌های دانش‌آموختگان علوم ورزشی را توسعه دهند. در نتیجه نقش آموزش کارآفرینی از اهمیت زیادی برخوردار است (گونزالس سرانو و همکاران، ۲۰۱۷).

عوامل مختلفی آموزش کارآفرینی و در نهایت یادگیری کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این موضوع احتمالاً آموزش کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که آیا این آموزش‌ها باید در قالب یک واحد درسی ارائه شوند یا به‌عنوان فرایندی برای بهبود فرصت‌های فردی یا نهادی باید در نظر گرفته شوند، آنچه مسلم است این است که هر دوی این رویکردها منجر به توسعه یادگیری کارآفرینانه می‌شود (ولش و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال، عوامل اثرگذار بر توسعه یادگیری کارآفرینانه در حیطه علوم ورزشی مسئله‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده است و مطالعات پراکنده‌ای به بررسی وضعیت و جایگاه کارآفرینی از منظر یادگیری کارآفرینانه در دانشگاه‌ها پرداخته‌اند. در این راستا، تحقیق صفری و سمیع زاده (۱۳۹۲) در بررسی وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی به این نتیجه رسید که تقریباً در همه رشته‌های علوم انسانی دانشگاه، وضعیت آموزش کارآفرینی چه از دید دانشجویان و چه از دید استادان دارای وضعیت نامناسبی است.

می‌سازد تعریف می‌گردد (لارسون و همکاران^۱، ۲۰۰۳). در تعریفی جامع، یادگیری کارآفرینانه فرایند مستمر و منظمی توضیح داده شده است که از یک سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی سازمان منجر می‌شود و از سوی دیگر موجب استفاده از فرصت‌های جدید یادگیری می‌گردد (راع و کارسول^۲، ۲۰۰۱). در واقع، زمانی که کارآفرینی در قالب رشته‌هایی مانند برنامه‌های هنری، تربیتی و یا ورزشی قرار می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان عنصر ضروری یادگیری در نظر گرفته شود (ولش و همکاران، ۲۰۱۶).

علوم ورزشی، رشته‌ای است که پتانسیل بالقوه‌ای برای توسعه کارآفرینی دارد به‌گونه‌ای که کارآفرینی در بخش ورزش نقش کلیدی در افزایش تقاضا برای محصولات ورزشی دارد (گونزالس سرانو و همکاران^۳، ۲۰۱۷). در واقع، روند جدید کارآفرینی در ورزش ماهیت ورزش را تغییر داده است، تغییرات در ورزش‌ها نیز از طریق دسترسی به اینترنت و تکنولوژی افزایش یافته است؛ بنابراین، ارزش‌ها و پیامدهای مثبت و جدید مرتبط با کارآفرینی در ورزش به وجود آمده است (جنی و همکاران^۴، ۲۰۱۶)، که این امر لزوم توجه به فرهنگ کارآفرینانه را متناسب با تغییرات محیطی می‌طلبد، در واقع، این نوع فرهنگ بر نوآوری و خلاقیت متمرکز است. استفاده از رویکرد توسعه کارآفرینی در مراکز آموزشی ورزش، سیستم یادگیری کارآفرینانه را در طول زمان تکامل می‌بخشد که این، سبب توسعه ابتکار و خلاقیت می‌شود

- 1 . Larsson et al
- 2 . Rae & Carswell
3. González-Serrano et al
4. Jenni et al

یادگیری کارآفرینانه بیشتر از تنها به دست آوردن تجربه، مهارت و دانش یا تداوم رفتارهای مرتبط با یادگیری است. در واقع کارآفرین لازم است تا مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری مربوط به یادگیری مؤثر را نشان دهد. این الگوهای رفتاری قابل اندازه‌گیری هستند. پولیتز^۲ (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای بیان کرد آموزش کارآفرینی مانند تلاش برای تحریک فعالیت‌های کارآفرینانه از طریق تمرین رسمی و آموزش اثری بر توسعه دانش کارآفرینانه ندارد. وی نتیجه می‌گیرد که تمرکز بر توسعه خلاقیت، تفکر خلاق و بازتاب در میان افراد، در عوض می‌تواند اثر عمیقی بر توانایی و انگیزشی توسعه دانش کارآفرینانه داشته باشد. نلسون و بایر^۳ (۲۰۰۵) نشان دادند که فرهنگ کارآفرینانه در دانشگاه‌ها نیز می‌تواند تعیین‌کننده مهمی برای هم‌افزایی بین آموزش کارآفرینی و انتقال فناوری باشد. رویکرد کلاسیک به آموزش کارآفرینی که بر موضوع دانشی تمرکز می‌کند خیلی اثربخش نیست. علاوه بر اهمیت موضوع دانشی، عوامل شناختی و عاطفی نیز در یادگیری و موفقیت کارآفرینی دانشجویان مهم است. هانتی و همکاران^۴ (۲۰۰۸) در مطالعه به بررسی تأثیر محیط کارآفرینانه بر یادگیری کارآفرینانه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ادراک دانشجویان از یادگیری در نتیجه سه محیط یادگیری متفاوت است. اولی، نوعی یادگیری است که در محیط مجازی رخ داد، دومین محیط ایجاد همکاری دانشجویان و استفاده از آن برای کمک به مشتریان واقعی و سومین محیط که یادگیری در آن اتفاق افتاد مربوط به ایجاد پروژه‌های واقعی برای

از نظر ایشان، مواد، محتوا و برنامه‌های فرعی علمی آموزشی و حتی شیوه‌های تدریس در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار به دانشجویان وضعیت مناسبی ندارد. کیاکجوری و رودگرنژاد (۱۳۸۸)، به تدوین الگوی فرایندی یادگیری کارآفرینانه پرداختند و از جمله عناصر یادگیری کارآفرینانه را تجربه دانستند. بیات (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی انتظارات شغلی دانشجویان تربیت‌بدنی از اشتغال و آینده شغلی آنان پرداخت و به این نتایج دست‌یافت: ۶۹/۵۵٪ از آزمودنی‌ها تأثیر برنامه‌های آموزشی دروس تخصصی دانشگاه در آینده شغلی را خیلی زیاد و زیاد ارزیابی کردند. درعین‌حال لزوم طی دوره‌های کوتاه‌مدت و تأیید برنامه آموزش دروس پایه نیز مورد تأکید قرار دادند. از نظر دانشجویان آموزش‌های نظری دوره تحصیلی در آینده شغلی آنان تأثیر کمی دارد. جوادیان صراف و شجیع (۱۳۸۸)، از جمله مشکلات کارآفرینی دانشجویان علوم ورزشی بعد از فارغ‌التحصیلی را رشته تحصیلی و کمبود راهنمایی و مشاوره نتیجه گرفتند و بر لزوم برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی و توجیهی برای استادان و دانشجویان و بازبینی سرفصل‌های آموزشی تأکید کردند. برومند و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته تربیت‌بدنی پرداختند و نتایج آن‌ها نشان داد که یکی از موانع، فقدان ارتباط بین دانشگاه‌ها و بخش‌های مختلف اجرایی و اقتصادی جامعه و عدم ارتباط میان دانشکده‌های تربیت‌بدنی بوده است. از جمله مطالعات خارجی تحقیق وینگیان‌من^۱ (۲۰۰۶) است که به مطالعه الگوی یادگیری کارآفرینانه پرداخت. از نظر وی

2. Politis

3. Nelson & Byers

4. Hanti et al

1. Wing Yang Man

کمک کند. مشارف و تقی‌پاره^۵ (۲۰۱۶)، چهار بُعد از آموزش کارآفرینی را توصیف و برای هر بُعد سطح خاصی تعریف کردند. بر این اساس، ساختار آموزشی کارآفرینی شامل زمینه‌دانشی معلمان، محتوای دانش معلمان و انتقال محتویات توسط معلمان به همراه اشکال آموزش کارآفرینی بود که بر ذهنیت دانشجویان، ایجاد دانش کارآفرینی و سرمایه‌انسانی کارآفرینانه به‌واسطه حمایت آموزشی معلمان و انتظارات دوره (وابستگی نهادی) اثرگذار است. شیه و هانگ^۶ (۲۰۱۷)، آموزش کارآفرینی را در دانشگاه تایوان مورد مطالعه قرار دادند و نتایج آن‌ها نشان داد که مشکل در تعیین اهداف متناسب با دروس کارآفرینی است. اهدافی از قبیل یادگیری بین‌رشته‌ای، فهمیدن فرایندهای کارآفرینی و پرورش ذهنیت کارآفرینانه باید در دروس کارآفرینی مورد تأکید قرار گیرد. گونزالس سرانو و همکاران (۲۰۱۷) عوامل درونی (واحد‌های کارآفرینانه) و محیط را اثرگذار بر قابلیت‌های کارآفرینانه در دانشجویان دانشگاه‌های علوم ورزشی نتیجه گرفتند. رتن و جونز^۷ (۲۰۱۸)، در تحقیق خود بر اهمیت یادگیری کارآفرینانه در علوم ورزشی به‌منظور به‌دست آوردن مهارت‌های اجتماعی و اشتغال‌پذیری در دانشگاه‌ها تأکید کردند و در این راستا، بر دروس میان‌رشته‌ای و آموزش کارآفرینی در علوم ورزشی اشاره کردند. سورنسن و بورگن^۸ (۲۰۱۹) بر نقش ذی‌نفعان، فرایند یادگیری کارآفرینانه و منطقه تمرکز کرده و نتیجه می‌گیرند که تلفیق این سه عامل محیطی را در

مشتریان واقعی بود. دانشجویان احساس کردند که انجام پروژه‌های واقعی ارزشمندترین محیط یادگیری را برای آن‌ها فراهم کرد چراکه امکان یادگیری برای ایجاد ارتباط با مشتریان و همچنین پرورش مهارت‌های مدیریتی را فراهم کرده بود. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که محیط کسب‌وکار کلیدی برای موفقیت در آموزش کارآفرینی است. تاتیل^۱ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای محیط یادگیری کارآفرینانه را مورد تحلیل قرار داد. وی به این نتیجه رسید که مهارت‌های کارآفرینی از طریق پروژه‌های توسعه‌ای جهان واقعی یاد گرفته می‌شوند. مکولی^۲ (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای آموزش کارآفرینانه را به‌عنوان رویکردی معرفی کرده است که به بهتر جواب دادن به نیازها کمک می‌کند. از نظر وی فرصت‌های زیادی برای ایجاد نوآوری در آموزش کارآفرینی وجود دارد. در واقع ایجاد مسیری برای اثربخشی کارآفرینانه چالش‌برانگیز است اما این مسیر می‌تواند به سیاست عمومی اثربخشی منجر شود. دین و همکاران^۳ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های کارآفرینی که توسط این دانشگاه پیشنهاد شده است، بر ارتقای مهارت‌های کارآفرینانه دانشجویان اثر مثبتی دارد. بایکس و همکاران^۴ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای که بازنگری استانداردهای آموزش کارآفرینی و افزایش فهم واقعی از کارآفرینی توسط معلمان و اساتید و ضرورت حمایت قانونی، مالی و مدیریتی از آموزش کارآفرینی می‌تواند به بهبود آموزش کارآفرینی

5. Mosharraf & Taghiyareh
6. Shih & Huang
7. Ratten & Jones
8. Sörensen & Borgen

1. Tatila
2. McAuley
3. Din et al
4. Bikse et al

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق کیفی بر مبنای پدیدارشناسی^۱ بود. از رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیک استفاده شد؛ که پژوهشگر سعی می‌کند تجربه‌های انسان را به مثابه متن نوشته‌شده مورد تفسیر قرار دهد (خینفر و مسلمی، ۱۳۹۷). تعداد مشارکت-کنندگان ۲۳ نفر بود که ۱۲ نفر آن را دانشجویان و ۱۱ نفر آن را نیز استادان علوم ورزشی تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ بود. ملاک حجم نمونه، کفایت نظری^۳ بود.

ابزار مورد استفاده، مصاحبه عمیق و باز^۴ بود. در این راستا، مصاحبه‌ها به صورت حضوری و رودررو انجام گرفت. یکی از سؤالات مصاحبه عبارت بود از: «نگرش و تعریف شما نسبت به مفهوم یادگیری کارآفرینانه چیست؟ در واقع سؤالات مصاحبه چهار بحث مربوط به نگرش افراد به کارآفرینی، نگرش به یادگیری کارآفرینانه، خلأ برنامه آموزشی و نیز راهکارهای مربوط به آن را در رابطه با رشته کارشناسی علوم ورزشی پوشش می‌داد. مصاحبه با آگاهی و رضایت مصاحبه‌شوندگان توسط دستگاه دیجیتالی ضبط شد و در ادامه روی برگه نوشته و به‌منظور دسته‌بندی تحلیل‌ها، نوشته‌ها وارد نرم‌افزار NVivo شد. طول مدت مصاحبه‌ها ۲۰-۴۵ دقیقه بود که در مدت ۲ ماه انجام گرفت. روش تحلیل داده‌ها در مطالعات پدیدارشناسی، ارائه تصویری پرمایه با استفاده از روایت، جداول و یا نگاره‌هاست (کرسول، ۱۳۹۶).

جهت یادگیری کارآفرینانه برای دانشجویان ایجاد می‌کند.

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی و جمع-بندی آن نشان می‌دهد بخش عمده پژوهش‌های انجام‌شده، بر روی یادگیری کارآفرینانه، خلأ آموزشی کارآفرینی محور در برخی رشته‌های خاص مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این، مطالعات انجام‌شده به صورت کلی به بررسی موانع کارآفرینی در دانشکده‌ها و یا گروه‌های علوم ورزشی پرداخته‌اند و تاکنون به بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه آموزشی کارآفرینی در رشته علوم ورزشی از منظر یادگیری کارآفرینانه پرداخته نشده است. از سوی دیگر، طی تحقیقات و گزارش‌های موجود (برومند و همکاران، ۱۳۹۰) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان علوم ورزشی چندان مناسب نیست و در این رابطه، هر چند که عوامل گسترده‌ای دخیل است، اما نباید نقش پررنگ دانشگاه‌ها را در ایجاد نگرش و قصد کارآفرینانه از نظر دور داشت. به‌گونه‌ای که علاوه بر ایجاد و گسترش دانش به‌عنوان وظایف آموزشی دانشگاه‌ها؛ ایجاد اعتمادبه‌نفس، یادگیری مهارت‌های حل مسئله و تغییر نگرش و دیدگاه دانشجویان از داستان‌های مربوط به کارآفرینی از دیگر وظایف دانشگاه‌ها محسوب می‌شود (بایکس و همکاران، ۲۰۱۶). مسئله‌ای که به نظر می‌رسد حلقه مفقوده آموزش عالی در ایران است، فقدان توجه به رویکرد فرایندی آموزش کارآفرینی و پیامد حاصل از آن یعنی یادگیری کارآفرینانه است. در نتیجه، هدف این مقاله تحلیل عوامل اثرگذار بر جایگاه آموزشی علوم ورزشی از منظر ایجاد یادگیری کارآفرینانه (نگرشی، دانشی و مهارتی) در بین دانشجویان علوم ورزشی بود.

1. Phenomenology
2. Purposeful sampling
3. Theoretical saturation
4. In-depth Interview

شد. علاوه بر این به‌منظور اطمینان بیشتر، نتایج به‌دست‌آمده برای تعیین روایی در اختیار گروهی از پاسخگویان (هشت نفر) قرار گرفت. در زمینه پایایی کدگذاری‌ها در مصاحبه‌های پژوهشی، از ضریب توافق درصدی (فرمول ۱) استفاده شد. بدین منظور محقق همکار، نیز تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق با کمک فرمول ۱ به دست آمد.

(فرمول ۱)

$$100 \times \frac{\text{تعداد توافقات } 2X}{\text{تعداد کل کدها}}$$

در پژوهش کیفی اعتمادپذیری معادل روایی درونی است که در این راستا از روش بررسی به‌وسیله اعضا استفاده شد. افراد درگیر در مصاحبه‌ها، کسانی بودند که در برنامه‌های آموزشی درگیر بودند. علاوه بر این از مشارکت بلندمدت و همه‌جانبه نگری مآخذ داده (مصاحبه) استفاده شد. وابستگی و اتکاپذیری جانشینی برای پایایی است در این مطالعه سعی شد تا کیفیت گزارش مطالعات موردی به شیوه‌ای علمی در چارچوب یک ساختار مفهومی (مضامین استخراج‌شده) شکل بگیرد و بدین منظور از محققان دیگر خواسته شد تا به بازنگری مضامین و الگوی استخراج‌شده بپردازند و در نهایت نظرات اصلاحی ایشان به کار گرفته

جدول ۱. پایایی بین دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
۱	مصاحبه اول	۲۴	۱۱	۲	۹۱٪
۲	مصاحبه دوم	۲۱	۸	۵	۷۶٪
۳	مصاحبه سوم	۲۰	۸	۴	۸۰٪
	مجموع	۶۵	۲۷	۱۱	۸۳٪

یافته‌های پژوهش

۴۷/۸٪ را دانشجویان تشکیل می‌دادند که به‌طورکلی ۱۷/۴٪ از پاسخ‌گویان زنان و ۸۲/۶٪ را مردان تشکیل می‌دادند که در جدول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

یافته‌های مقاله در بخش توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف معیار سن مشارکت‌کنندگان در تحقیق $29/187 \pm 8/32$ بوده است. ۵۲/۲٪ از پاسخ‌دهندگان را اساتید و

جدول ۲. مشارکت‌کنندگان در تحقیق

فراوانی	درصد فراوانی
اساتید	۴۷/۸
دانشجویان	۵۲/۲
کل	۱۰۰

جدول ۳. جنسیت افراد مشارکت کننده

فرآوانی	درصد فرآوانی	
۴	۱۷/۴	زن
۱۹	۸۲/۶	مرد
۲۳	۱۰۰	کل

مضامین استخراج شده در جدول ۴ نشان داده شده است. علاوه بر این در شکل ۱ نیز مضامین استخراج شده نشان داده شده است.

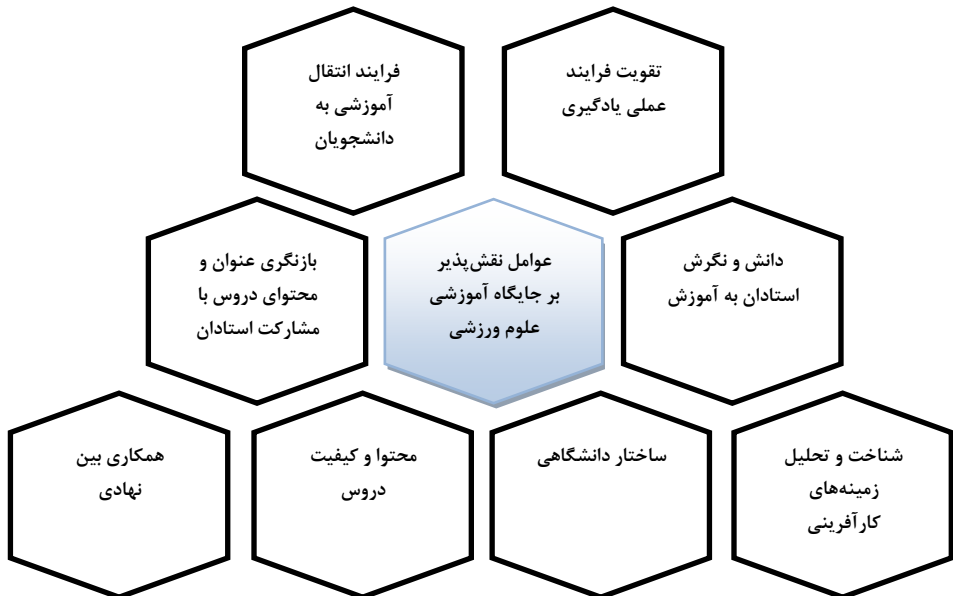
جدول ۴. مضامین استخراج شده از مصاحبه با مشارکت کنندگان

مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
توضیح مشارکت کنندگان درباره مفهوم یادگیری کارآفرینانه	<ul style="list-style-type: none"> • توانایی شناخت و تحلیل فرصت‌های بیشتر در حوزه کارآفرینی ورزشی • یادگیری عمیق • یادگیری با رویکرد کاربردی • یادگیری برای یادگیری واقعی • توانایی ارتقای تفکر خلاق • توانایی یادگیری در راستای ایجاد کسب-وکارهای جدید • توسعه نگرش کارآفرینانه در دانشجویان 	✓ شناخت و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی در شرایط تجربی توأم با تفکر و نگرش خلاقانه

	•	عدم ایجاد انگیزه توسط استادان	
	•	نداشتن مهارت کارآفرینانه دانشجویان در ارتباط با راه‌اندازی کسب‌وکار ورزشی	
	•	فقدان آگاهی از چگونگی راه‌اندازی یک کسب‌وکار	
	•	فقدان دانش در زمینه مسائل حقوقی کسب‌وکارها	
✓		ضعف محتوا و کیفیت برخی دروس	
✓		فرآیند انتقال آموزشی دروس به دانشجویان	
	•	فقدان بحث از کارآفرینی و رویکردهای کارآفرینانه سر کلاس‌ها	دیدگاه نسبت به برنامه آموزشی از منظر رویکردهای کارآفرینانه
✓		دانش و نگرش اساتید (ارتقای نگرشی و دانشی نسبت به بحث کارآفرینی، ارتقای توانایی تدریس)	
	•	فقدان تلفیق نگرش کارآفرینانه با سایر دروس علوم ورزشی	
	•	آموزش تئوری صرف	(ایجاد دانش، مهارت، نگرش، ذهنیت و ایجاد خلاقیت و نوآوری)
	•	برنامه درسی غیر انعطاف‌پذیر	
	•	فقدان انگیزه دانشجویان نسبت به محتوای آموزشی ارائه‌شده	
	•	تدریس فعال و مشارکت چالشی دانشجویان در فعالیت‌های یادگیری	
	•	فقدان نگرش استادان به کارآفرینی	
	•	نداشتن دانش و آگاهی از فرصت‌های گسترده این بخش	
✓		ساختار دانشگاهی (تجهیزات و امکانات، زیرساخت ارتقای اساتید، جو کارآفرینانه)	
	•	ناکارآمدی برخی از دروس بازنگری شده در برنامه درسی	
	•	فقدان تجهیزات آزمایشگاهی و موردنیاز بخش ورزشی	
	•	زیرساخت‌های ارتقای استادان و توجه بیشتر اساتید به بخش پژوهش	
	•	توجه اندک مسئولان به فعالیت‌های اجرایی و کیفیت آموزشی اساتید	
	•	برپایی اندک کارگاه‌های آموزشی مربوط به کارآفرینی و مهارت‌های موردنیاز دانشجویان	
✓		بازنگری عنوان و محتوای درسی با مشارکت جامعه مطلوبی از استادان رشته	
	•	فقدان جو و محیط کارآفرینانه در دانشکده‌ها	
	•	ارتباط اندک دانشکده‌های علوم ورزشی و مراکز و نهادهای علمی مرتبط	

- کارورزی دروس تئوری
 - اقتصاد ورزش
 - مدیریت بازاریابی سازمان‌های ورزشی
 - آموزش قوانین و مقررات حقوقی کسب و کارها
 - آشنایی با فناوری اطلاعات و ارتباطات
 - برنامه‌نویسی و اپلیکیشن‌های مربوط به علوم ورزشی
 - آموزش بازی‌ها
 - فقدان تجربه و عمل با مفاهیم تئوری دروس در سرفصل‌های ارائه شده
 - استعدادیابی در بین دانشجویان علوم ورزشی و جهت‌دهی این استعدادها
- ✓ تقویت فرایند عملی یادگیری (فراهم کردن سرفصل عملی در کنار دروس تئوری)
- خلأ برنامه آموزشی

- آموزش دروس نوین در علوم ورزشی
 - به‌منظور تنوع فرصت‌های یادگیری
 - کاربردی کردن دروس تئوری
 - تقویت مهارت‌های تجزیه و تحلیل بازار
 - لزوم توجه اساتید به ایجاد رغبت در دانشجویان برای یادگیری
 - لزوم بازنگری دوره‌های آموزشی در علوم ورزشی (ایجاد دروس کارورزی)
 - مشارکت اساتدان هر منطقه در ارائه برنامه درسی متناسب با نیازهای بومی (برنامه درسی انعطاف‌پذیر)
 - تناسب رشته‌های مهارتی با نیازهای بومی هر منطقه
 - ایجاد امکانات و تسهیلات ورزشی (وسایل و تجهیزات ورزشی، سالن‌های ورزشی و ...)
 - تغییر ساختار ارتقای اساتدان به سمت کارآفرینی و ایجاد کسب و کار
 - لزوم هم‌افزایی و هماهنگی بین دانشگاه‌ها و سایر نهادهای درگیر در ورزش
 - بازنگری مجدد برنامه درسی با همکاری متخصصان این رشته
 - تنوع تدریس چالشی و خلاق
 - وجود قرارداد همکاری بین دانشکده با سایر نهادهای زیر ربط به‌منظور انجام کار کارورزی/عملی
 - دعوت از کارآفرینان این رشته به‌عنوان مدرس کارگاه‌ها/دروس برای ایجاد انگیزه بیشتر در دانشجویان
- ✓ همکاری بین نهادی (همکاری و هماهنگی نظام‌مند بین دانشگاه و نهادهای مرتبط با رشته‌ها، شهرداری، فدراسیون، آموزش و پرورش، بهزیستی و سایر نهادهای مرتبط)
- پیشنهاد برای بهبود جایگاه آموزشی کارآفرینانه در علوم ورزشی (نرم‌افزار، سخت‌افزار)



شکل ۱. مضامین اصلی عوامل نقش‌پذیر بر جایگاه آموزشی رشته علوم ورزشی از منظر یادگیری کارآفرینانه

بحث و نتیجه‌گیری

شناسایی عوامل نقش‌پذیر بر جایگاه آموزش کارآفرینی در رشته کارشناسی علوم ورزشی از منظر توجه به یادگیری کارآفرینانه از جمله اهداف این مطالعه بود. نتایج مطالعه نشان داد که در رشته علوم ورزشی ساختار دانشگاهی؛ از جمله تجهیزات و امکانات، زیرساخت‌های ارتقای اساتید و میزان اهتمام اعضای هیئت‌مدیره دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی به ایجاد جو کارآفرینانه، نگرش و دانش اساتید این رشته، بازنگری محتوای درسی و تقویت فرایند عملی یادگیری و در نهایت همکاری نظام‌مند بین دانشگاه و مراکز علمی دیگر از جمله عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی بود.

اساس سؤالات مطرح‌شده در حیطه‌های نگرش کارآفرینی، نگرش به برنامه آموزشی فعلی، خلأ برنامه آموزشی و پیشنهادهایی برای بهبود جایگاه آموزشی کارآفرینانه، ۴۹ مضمون از مصاحبه‌ها شناسایی شد. اغلب دانشجویان و استادان، مسائلی از قبیل فقدان انگیزه استادان، ناکارآمدی برخی دروس، فقدان محیط کارآفرینانه در دانشکده/گروه‌ها را از عوامل نامساعد بودن محیط آموزشی عنوان کردند. خلأ برنامه آموزشی در هر یک از رشته‌ها و برنامه درسی بیان شد. از جمله پیشنهادهای مطرح‌شده عبارت بود از: لزوم بازنگری برنامه درسی، آموزش کارآفرینی، وجود دوره‌های کارورزی و کارآموزی و به‌طورکلی توجه به رویه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری.

(۲۰۰۸) نیز توسعه خلاقیت و تفکر خلاق در بین افراد به منظور یادگیری تأکید داشت. چنانچه و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نیز بر یادگیری مبتنی بر چالش را برای آموزش استارت‌آپ‌ها به منظور فراهم کردن تجارب یادگیری در دنیای واقعی تأکید کردند. مشارف و تقی‌پاره (۲۰۱۶)، گونزالس سرانو و همکاران (۲۰۱۷)، سورسن و بورگن (۲۰۱۹) بر نقش دروس آموزشی کارآفرینانه و یا ایجاد دروس میان‌رشته‌ای نیز اشاره داشته‌اند.

زیرساخت‌های ارتقای اساتید از جمله عوامل اثرگذار دیگر بر توسعه یادگیری کارآفرینانه و تلاش اساتید برای توجه بیشتر به امور آموزشی و اجرایی است. زیرساخت‌های لازم برای توسعه رویکرد کارآفرینی در دانشگاه‌ها، شامل تغییرات قوانین به نفع ایجاد کارآفرینی در دانشگاه، تغییر مصوبات ارتقای اساتید و ترغیب بیشتر آن‌ها به ایجاد و فراهم کردن زمینه کارآفرینی بیشتر در دانشجویان است. اینکه ارتقای اساتید تعداد مقالات علمی پژوهشی، آی اس آی و ... باشد نمی‌تواند انگیزه لازم را برای ایجاد نگرش کارآفرینی و انتقال آن به دانشجویان فراهم کند. مسئله‌ای که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به چشم می‌خورد و مبنای ارتقای اساتید، کار، خلاقیت و نوآوری است که آن‌ها برای جامعه خود انجام می‌دهند. به عبارتی تعامل استادان با جامعه برای سیستم آموزش عالی کشورهای توسعه‌یافته اهمیت دارد.

نگرش و توسعه دانش اساتید نقش مهمی در انتقال بهتر دروس و یادگیری مؤثرتر ایفا می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد نقش استادان این رشته در شناساندن فرصت‌های کارآفرینانه بسیار مهم باشد. تحقیقات صفری و

ساختار دانشگاهی مانند وجود تجهیزات و امکانات ورزشی از جمله عوامل موردنظر در بخش کارآفرینی در علوم ورزشی بیان شد. در این راستا، نظریان مادوانی و همکاران (۲۰۱۴) بر نقش زیرساخت‌ها متناسب با نیازهای آموزشی تأکید کردند. در دانشکده‌های علوم ورزشی نیز به نظر می‌رسد فراهم کردن تجهیزات و امکانات ورزشی و تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری، طرح‌های کارآفرینانه و نیز طرح‌های پژوهشی کاربردی مرتبط با کارآفرینی ورزشی می‌تواند در راستای توسعه محیط کارآفرینانه مؤثر باشد. در واقع اماکن ورزشی استاندارد می‌تواند دستاوردهای بهینه و کیفی داشته باشد و گسترش و توسعه این زیرساخت‌ها به‌ویژه زیرساخت‌ها فنی می‌تواند توسعه کارآفرینی را در پی داشته باشد.

از دیگر ساختارهای دانشگاهی میزان اهتمام اعضای هیئت‌مدیره دانشکده‌ها و ایجاد جو و فرهنگ کارآفرینانه است. تفاوت‌های فرهنگی یکی از عواملی است که بر آموزش کارآفرینانه اثر می‌گذارد. ایجاد ذهنیت و فرهنگ کارآفرینانه نیز از جمله عواملی است که می‌تواند نقش مهمی در ایجاد نتایج بهتر برای کارآفرینی داشته باشد. در این راستا مکولی (۲۰۱۳) نیز بر نقش فرهنگ کارآفرینانه، مشارف و تقی‌پاره (۲۰۱۶) بر پرورش ذهنیت کارآفرینانه تأکید داشتند. قصد کارآفرینانه قبلی یکی از عواملی است که باید قبل از مطالعه اثر درس آموزش کارآفرینی موردبررسی قرار گیرد. روش تدریس نیز یکی از عواملی است که باید کنترل شود. توسعه خلاقیت و تفکر خلاق در بین معلمان و دانشجویان به‌منظور روش تدریس خلاقانه می‌تواند در توسعه تفکر واگرا مؤثر باشد. پولیتز

ورزشی عنوان شد. به نظر می‌رسد برنامه‌های تئوری ارائه‌شده در دانشکده‌های علوم ورزشی، فاقد رویکرد کاربردی و چالشی است و برخی از دروس با یکدیگر همپوشی داشته است. علاوه بر این به نظر می‌رسد برنامه درسی صرفاً تئوریک و عدم ارتباط نیازهای جامعه با آموزش‌های ارائه‌شده در دانشگاه‌ها و عدم همکاری بین نهادهای ورزشی با دانشگاه از معضلات آموزش کارآفرینی در رشته علوم ورزشی باشد. نتایج با تحقیقات برومند و همکاران (۱۳۹۰)، جوادیان صراف و شجیع (۱۳۸۸)، وینگیان‌من (۲۰۰۶)، هانتی و همکاران (۲۰۰۸)، مکولی (۲۰۱۳)، بایکس و همکاران (۲۰۱۶)، دین و همکاران (۲۰۱۶)، شیه و هانگ (۲۰۱۷)، رتن و جونز (۲۰۱۸) همخوانی دارد و در این راستا، علیزاده و نصیری (۱۳۸۰)، در بررسی مشکلات شغلی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی به این نتیجه رسیدند که یکی از مشکلات دانش‌آموختگان نامتناسب بودن دروس دوره کارشناسی با نیاز جامعه و شغلی ایشان است. حتی از نظر دانشجویان، دروس تئوری در صورتی که ارائه آن‌ها چالش‌برانگیز، توأم با درگیری و تعامل بین دانشجو و استاد نباشد نمی‌تواند اثربخشی لازم را برای یادگیری ایجاد کند و همین موضوع از نظر آنان منجر به یادگیری صرفاً تئوریک در بین دانشجویان این رشته می‌شود بدون آن‌که یادگیری در دنیای واقعی را برای آن‌ها فراهم آورد. از دیگر خلأهای آموزشی، فقدان آشنایی با مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی، حقوق کسب‌وکار و آشنا شدن با فرصت‌های کارآفرینانه در بخش ورزش است. گودرزی و همکاران (۱۳۹۶) نیز از جمله مهارت‌های موردنیاز برای دانشجویان علوم ورزشی را مهارت‌های محیطی، مهارت‌های

سمیع‌زاده (۱۳۹۲)، صراف و شجیع (۱۳۸۸) نیز به محتوای درسی به‌عنوان یک عامل در آموزش کارآفرینی مهم اشاره داشتند. بلاغت (۱۳۹۰) به بررسی چالش‌های علوم انسانی در ایران پرداخت و به این نتیجه رسید که از جمله چالش‌های این رشته، آشنایی کم مسئولان فرهنگی با این رشته و علاوه بر این مناسب نبودن برنامه‌های درسی مصوب با رشته بود. آموزش اثربخش توأم با یادگیری، فرایندی تعاملی و دوجانبه است و علاوه بر ایجاد دانش، باید دربرگیرنده نگرش و مهارت در راستای آن درس باشد که به نظر می‌رسد این مهم به‌واسطه داشتن نگرش و دانش اساتید اتفاق می‌افتد. علاوه بر این نتایج نشان داد که استعدادیابی دانشجویان از طریق اساتید، برگزاری دوره‌ها و مسابقات ورزشی می‌تواند در هدایت تحصیلی و مهارتی دانشجویان کارشناسی علوم ورزشی مؤثر باشد. این می‌تواند به معنای تخصصی کار کردن از نظر دانشجویان باشد که فراگیری تمامی دروس نمی‌تواند انگیزه و نگرش دانشجویان را در ارتباط با کارآفرینی عمق ببخشد. از نظر برخی از دانشجویان، استعدادیابی ورزشی در دانشکده‌ها/گروه‌های علوم ورزشی و هدایت تحصیلی و مهارتی دانشجویان از طرف اساتید می‌تواند انگیزه دانشجویان به‌منظور ادامه دادن استعدادشان در آن رشته افزایش دهد. گذراندن دروس تخصصی با جزئیات بیشتر نیز می‌تواند تا حد زیادی به توسعه دانش افراد منتهی شود.

بازنگری محتوا و کیفیت دروس نیز از جمله عوامل دیگر اثرگذار بر توسعه یادگیری کارآفرینانه بود. نامناسب بودن برنامه درسی و خلأ برنامه‌های درسی در زمینه آموزش کارآفرینی از معضلات بخش کارآفرینی در علوم

مدیریتی و تجاری عنوان کردند. تحقیق تاتیل (۲۰۱۰) نیز بر لزوم کاربردی کردن دروس در آموزش عالی تأکید کرده است. علاوه بر این تخصصی‌تر شدن دروس نیز یکی دیگر از دغدغه‌های دانشجویان و استادان این رشته بود. دروس تخصصی و یادگیری با عمق بیشتر خواسته مشارکت‌کنندگان این تحقیق بود. در این راستا، از نظر یکی از استادان، این رشته در مقایسه با سایر رشته‌های علوم انسانی رشته‌ای است که به کارورزی و یادگیری تجربی بیشتری نیاز دارد که خلأ آن می‌تواند انگیزه دانشجویان و علائق آن‌ها را در زمینه کارآفرینی کاهش دهد. به‌عنوان مثال، نگاهی به آموزش کارآفرینی در ورزش آمریکا نشان می‌دهد، مؤسسه‌ای مانند ان‌سی‌ای^۱ برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان فرصتی به وجود آورده است تا به مدت یک سال در یک محیط یادگیری تجربی حضور داشته باشند. مؤسسه تحقیقاتی ورزشی دانشگاهی مطابق با مأموریت خود، برنامه کارآموزی را ایجاد کرده است که به کارآموزها اجازه می‌دهد به‌طور کامل در محیط فعالیت‌ها و مدیریت روزانه سی‌ان‌ای حضور یابند. کارآموزها، به همراه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت ورزشی در این آزمایشگاه یادگیری کارآفرینانه درون دانشگاه کارولینای شمالی حضور می‌یابند. در یک بافت مدیریتی ورزشی اطلاعات کاربردی مانند یادگیری در مورد عناصر مهم در مدیریت مؤثر یک رویداد ورزشی دارای اهمیت‌اند، زیرا چنین یادگیری که مبتنی بر تجربه است می‌تواند نیازها و خواسته‌های دانشجویان را برآورده کند. چنین یادگیری تجربی‌ای به دانشجویان اجازه می‌دهد که

مدیریت در ورزش و ویژگی‌های اصلی‌اش شامل درگیری شخصی، ارزیابی و خودجوشی و اثرات خود فراگیر را به‌طور مستقیم تجربه کنند. نکته مهم دیگر این است که یادگیری تجربی به دانشجویان کمک می‌کند که توانایی اندیشیدن در مورد تجربیات یادگیری خود را توسعه داده و از طریق چنین اندیشیدنی به اهمیت تجربیات خود پی ببرند (سیلیتی و چادویک^۲، ۱۳۹۳: ۱۳۰). به نظر می‌رسد بازنگری جدی در دروس این رشته در مقطع کارشناسی از سوی استادان این رشته‌ها بسیار ضروری باشد. علاوه بر این، آموزش در دنیای واقعی می‌تواند انگیزه را برای کارآفرین شدن افزایش دهد. روبرو شدن دانشجویان با حقایق جامعه و تجارب به‌صورت عملیاتی است که می‌تواند باعث توسعه و افزایش قصد کارآفرینانه در بین دانشجویان شود. برنامه درسی مربوط به دهه‌های گذشته نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی جوامع باشد و چنانچه به برنامه درسی این رشته‌ها توجه کنیم مشاهده می‌شود که به‌عنوان مثال، برای درس کارآفرینی سرفصل‌های کاملاً تئوریک مطرح‌شده است حال آن‌که به نظر می‌رسد ۸۰٪ مباحث کارآفرینی باید به‌صورت عملی و کارگاهی باشد. تحقیقات کیاکجوری و رودگرنژاد (۱۳۸۸)، هانتی (۲۰۰۸) و تاتیل (۲۰۱۰) نیز در این راستا بر آموزش و یادگیری در دنیای واقعی، تجربه و ایجاد پروژه‌های واقعی برای دانشجویان تأکید داشتند. هم‌چنین نتایج این بخش با تحقیقات صفری و سمیع‌زاده (۱۳۹۲) که وضعیت آموزش کارآفرینانه را در رشته‌های علوم انسانی نامطلوب گزارش کردند همخوانی دارد.

نظر گرفته شود. در واقع به نظر می‌رسد نه تنها ارتقای دانش و مهارت بتواند در یادگیری کارآفرینانه دخیل باشد بلکه ایجاد انگیزه و نگرش نسبت به کارآفرینی از سوی استادان نیز در این امر مهم باشد.

آنچه درباره مطالعات گذشته در ارتباط با یادگیری کارآفرینانه وجود داشت تنها به بررسی وضعیت آموزش کارآفرینانه طی تحقیقات پیمایشی، انتظارات شغلی دانش‌آموختگان از رشته تربیت‌بدنی، موانع اشتغال دانش‌آموختگان و مشکلات مرتبط با اشتغال دانشجویان تربیت‌بدنی پرداخته شده است حال آنکه الگوی یادگیری کارآفرینانه و عوامل مؤثر بر آن طی تحقیقات خارجی در رشته‌های غیر تربیت‌بدنی پرداخته شده است. در برخی از تحقیقات داخلی و خارجی نیز اثربخشی برنامه‌های آموزشی کارآفرینانه طی تحقیق نیمه تجربی بررسی شده است.

علاوه بر این در مقایسه با مقالات و تحقیقات خارجی، تعامل نظام‌مند دانشکده/گروه‌های علوم ورزشی با سایر مراکز و نهادهای مرتبط ورزشی در جامعه، می‌تواند در توسعه یادگیری کارآفرینانه در رشته علوم ورزشی و توانمندسازی هر چه بیشتر دانشجویان کمک کند که تاکنون به این مورد به صورت اختصاصی توجهی نشده است.

در مجموع باید عنوان کرد که ظهور پدیده بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در اکثر کشورهای در حال توسعه، گسترش کمی و توسعه نظام‌های آموزش عالی و ساختار آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. از این‌روست که گفته می‌شود تا زمانی که وضعیت علوم انسانی و اجتماعی در یک جامعه اصلاح نشود، امکان اصلاح در علوم دیگر هم

از دیگر عوامل مؤثر، همکاری نظام‌مند بین دانشکده‌ها و یا گروه‌های علوم ورزشی با سایر نهادهای علمی اجرایی است که می‌تواند به توسعه و تقویت یادگیری در دنیای واقعی کمک کند. برومند و همکاران (۱۳۹۰) به نقش ارتباط بین دانشگاه‌ها در ارتقای کارآفرینی اشاره داشتند. در واقع کارآفرینی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. آنچه مشاهده می‌شود فعالیت جزیره‌ای نهادهای مختلف (آموزش عالی، هیئت‌های ورزشی، فدراسیون‌ها، اداره‌های ورزش و جوانان و ...) برای رسیدن به اهدافشان است که چنین رویکردی نمی‌تواند در تسریع رسیدن به اهداف کارآفرینانه مؤثر باشد.

بنابراین به منظور تقویت برنامه درسی لزوم توجه به همکاری بین نهادی، به منظور یادگیری در دنیای واقعی و به دست آوردن تجربه از طریق کارورزی و کارآموزی و عقد قرارداد بین دانشگاه و نهادهای ارتباطی هر رشته می‌تواند به تقویت دانش، مهارت و نگرش هر چه بیشتر دانشجویان کمک کند. علاوه بر این تقویت ساختار دانشگاهی، ایجاد سخت‌افزارها، امکانات و فضای آموزشی، تغییر زیرساخت ارتقای استادان و دادن وزن بیشتر به کارآفرینی و مشارکت دادن و ارتباط هر چه بیشتر استاد و دانشجو می‌تواند در توسعه ظرفیت کارآفرینانه کمک کند. اساتید نیز به‌عنوان یکی از اهرم‌های در این زمینه هستند که تقویت تدریس، افزایش کیفیت تدریس و آموزش کاربردی از طریق ایجاد دوره‌های دانش‌افزایی راجع به کارآفرینی می‌تواند به توسعه تقویت جایگاه کارآفرینانه در علوم انسانی کمک می‌کند. نتایج حاصل از یادگیری کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان بازخوردی در راستای اصلاح و یا تقویت برنامه درسی در

Interdisciplinary Fields,
Comparative, Preschool and
Primary Education.
*Interdisciplinary Studies in
Humanities*, 3(4), 117-129
(Persian).

- Bayat, F. (2005). Evaluating Job Expectations of Physical Education Students from their Employment and Carrier Prospects (Master Thesis). Payam Noor University, Tehran province (Persian).
- Bikse, V., Riemere, I., Rivza, B. (2014). Science directs the improvement of entrepreneurship education management in Latvia. *Procedia- social and behavioral sciences*, 140, 69-76.
- Boromand, M.R., Hematinejad, M.A., Ramezanejad, R., Razavi, S.M.H. (2011). The Study of Barriers to Employment of Graduates of Physical Education and Sport Sciences. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 7(14), 51-72 (Persian).
- Chanin, R., Sales, A., Pompermaier, L., & Prikladnicki, R. (2018). Challenge based Startup Learning: A Framework to Teach Software Startup. In Proceedings of the 23rd Annual ACM Conference on Innovation and Technology in Computer Science Education (pp. 266-271).
- Ciletti, D., Chadwick, S. (2015). *Sports Entrepreneurship: Theory and Practice: Fitness Information Technology*. Translated by Godarzi, M and Honari, H. Tehran: Hatmi publication (Persian).

میسر نخواهد بود (یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۳). چنانکه بایکس و همکاران (۲۰۱۶) نیز حتی بر لزوم بازنگری استانداردهای آموزشی کارآفرینی متناسب با تغییرات محیطی تأکید کردند؛ بنابراین آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند اهرمی برای توسعه کارآفرینی و خروجی بهتر دانشگاه‌ها باشد که در این راستا وینگ‌یان‌من (۲۰۰۶) و دین و همکاران (۲۰۱۶) بر نقش آموزش کارآفرینی در به دست آوردن مهارت‌ها تأکید کرده‌اند.

تحقیقات آتی می‌تواند گرایش‌های کارشناسی ارشد رشته علوم ورزشی را مدنظر قرار دهد. به‌علاوه، تحلیل فرایندهای کارآفرینانه در رشته علوم ورزشی بر اساس راهبردهای نوین تحقیقی از جمله رویکرد داده بنیاد گلنیز می‌تواند از تحقیقات پیشنهادی دیگر باشد. از طرفی پرداختن به رویکردهای کمی از منظر رویکردهای کارآفرینانه می‌تواند در راستای پرداختن به شاخص‌های کارآفرینی و تعمیم‌یافته‌ها مفید باشد. مقایسه بین این رشته‌ها از نظر میزان تفاوت در رویکردهای کارآفرینانه می‌تواند در پژوهش‌های کمی آینده، مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- Alizadeh, M.H., Nasiri, K. (2011). Study of Occupational Problems of Students in Physical Education and Sport Sciences, *Journal of Harakat*, 7, 77-89. (Persian).
- Balaghat, S. (2011). Study of Humanities and its Interdisciplinary Fields Development Challenges in Iran: (The Case Study of Educational Science Course with 3

- Higher Education in the UK. *Philosophies of Enterprise and Entrepreneurship Education*, 1, 105-114.
- Hanti, S., Kairisto-Mertanen, L., Kallio-Gerlander, J. and Rantanen, H. (2008), Identifying entrepreneurial competences in three different cross-disciplinary environments, in Ingle, S. and Neuvonen-Rauhala, M. (Eds), *Promoting Entrepreneurship by Universities. The Proceedings of the 2nd International FINPIN 2008 Conference, Hameenlinna, Finland, April 20-22*, pp. 299-306
 - Javadiyansaraf, N., Shaji, R. (2010). Studying attitudes of physical education students on barriers of entrepreneurship and problems of starting a business after graduation, *Research in Sport Sciences*, 22, 81-95 (Persian).
 - Khanifar, H., Moslemi, N. (2018). *Qualitative Research Methods, New and Practical Approach* (second edition), Tehran: Negah Danesh. (Persian).
 - Kiyakajori, R., Rodgarnejad, F. (2010). Providing a Conceptual Framework of the Entrepreneurial Learning Process, *Development and transformation management*, 3, 43-52 (Persian).
 - Larsson, R., Brousseau, K. R., Driver, M. J., Holmqvist, M., & Tarnovskaya, V. (2003). International Growth through Cooperation: Brand-driven strategies, leadership, and Career Development in Sweden. *Academy of Management Perspectives*, 17(1), 7-21.
 - Creswell, J.W. (2017). *Qualitative Inquiry and research Design: Choosing among Five Approaches*, 2nd edition, translated by Danae fard, H, Kazemi, H, Tehran: Eshraghi Publication (Persian).
 - Dabbagh, R. (2005). Employment Policies of Different Countries and Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning and Higher Education*, 11(3), 147-166. (Persian).
 - Din, B.H, Anuar, A.R., Usman, M.(2016). The Effectiveness of the Entrepreneurship Education Program in Upgrading Entrepreneurial Skills among Public University Students. *Procardia-social and behavioral sciences*, 224(224), 117-123.
 - Ghasemi, A., Emami Meibodi, R. (2016). The Role and Status of Interdisciplinary Studies in the Development of the Humanities in Iran. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 7(4), 1-19 (Persian).
 - González-Serrano, M. H., Crespo Hervás, J., Pérez-Campos, C., & Calabuig-Moreno, F. (2017). The importance of developing the entrepreneurial capacities in sport sciences university students. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(4), 625-640.
 - Goudarzi M, Jalali Farahani M, Rajabi H, Hamidi M.(2017). The Design and Codification of Development Model of Entrepreneurial Skills for Students of Sport Management in Iran. 3.; 5 (18) :9-21. (Persian).
 - Hannon, P.D. (2005). Philosophies of Enterprise and Entrepreneurship Education and Challenges for

- small business and enterprise development*, 15(3): 472-489.
- Rae, D., & Carswell, M. (2001). Towards a conceptual understanding of entrepreneurial learning. *Journal of small business and enterprise development*.
 - Ratten, V., & Jones, P. (2018). Future research directions for sport education: toward an entrepreneurial learning approach. *Education+ Training*. 60(5):490-499.
 - Safari, S., Samiazadeh, M. (2012). Needs Assessment of Entrepreneurship knowledge and Skill Education a Comparative Approach in Different Fields of Humanities. *Technology of Education*, 7(1), 65-79. (Persian).
 - Shahhousieni, A. (2010). *Entrepreneurship in Action*, Tehran: Aeej publication (Persian).
 - Shih, T., Huang, YY. (2017). A Case Study on Technology Entrepreneurship Education at a Taiwanese research university. *Asia pacific management review*, 22(4): 202-211.
 - Sörensson, A., & Bogren, M. (2019). Organizing an Entrepreneurial Learning Program: The role of people, process and place. *Industry and Higher Education*, 1-11.
 - Taatila, V.P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education. *Education and training*, 52(1): 48-61.
 - Welsh, D.H.B., Tullar, W.L., Nemati, H. (2016).
 - McAuley, A. (2013). Entrepreneurial Education: Meeting Needs Better. *Journal of research in marketing and entrepreneurship*, 15(1), 12-22.
 - Mosharraf, M., & Taghiyareh, F. (2013). Qualitative Development of ELearning Environments through a Learner Relationship Management Methodology. *Knowledge Management & E-Learning: An International Journal*, 5(1), 56-65.
 - Mosharraf, M., Taghiyareh, F. (2013). Qualitative development of eLearning environments through a learner relationship management methodology. *Knowledge management and e-learning*, 5(1): 56-65.
 - Nazariyan Madovani, A., Ramezani, A.R., Sharaf Byani, H.R. (2014). Curriculum evaluation of graduate in physical education and sport sciences, *Sport Management Studies*, 31: 49-70. (Persian).
 - Nelson, A., and Byers, T. (2005), Organizational Modularity and Intra-University relationships between Entrepreneurship Education and Technology Transfer', in Libecap, G.D., Ed, *University Entrepreneurship and Technology Transfer: Process, Design and Intellectual Property*, Elsevier, Oxford.
 - Politis, D. (2008). Does prior start-up experience matter for entrepreneurs learning? A comparison between novice and habitual entrepreneurs. *Journal of*

Entrepreneurship education: process, method, or both?, *journal of innovation and knowledge*. 1: 125-132.

- Wing Yan Man, T. (2006). Exploring the behavioral patterns of entrepreneurial learning, a competency approach, education+ training, 48 (5): 309-321.
- Yaghoubnezhad, M. (2014). Organizing the Islamic Humanities; an Interdisciplinary Necessity. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 6(2), 111-137. (Persian).



Identifying Factors Influencing Educational Position of undergraduate Sport Sciences from the Entrepreneurial Learning perspective

Zeinab Mondalizadeh¹, Karim Zohrevandian^{2*}

Received: Oct 19, 2019

Accepted: Apr 13, 2020

Abstract

Objective: The purpose of this study was to identify the factors influencing the position of undergraduate sports science from the perspective of entrepreneurial learning.

Methodology: The research method was qualitative hermeneutic phenomenology. Participants included students and professors of sports science at public universities, 23 of whom were purposefully selected. Purposeful sampling was used and sampling continued until theoretical saturation. The tools used were in-depth and open interviews. Data were analyzed using an analytical coding approach. Validity was determined through longitudinal and comprehensive negligence of the data source, and the coefficient of the agreement was obtained 83% in determining the coding reliability.

Results: 49 sub-themes and 8 main themes were identified from the interviews. Key themes such as: understanding entrepreneurial areas in experimental conditions, academic structure, content, and quality of some courses, inter-institutional collaboration, teachers' knowledge, and attitude, title review and course content, course teaching transfer process, and enhance practical learning process as learning factors affecting entrepreneurial learning in colleges were identified.

Conclusion: The most important issue seems to be educational programs, with only theoretical approaches and headings cannot play a role in enhancing entrepreneurial learning among students, and in this regard, a comprehensive review of the programs educational and its adaptation to the needs of society can place the field of sports sciences in the direction of development and entrepreneurial dynamism.

Keywords: Academic structure, course content, entrepreneurial skills, experiential learning

1. Assistant Professor, Arak University, Arak ,Iran, 2., Assistant Professor, Arak University, Arak ,Iran

* Corresponding author's e-mail address: z-mondalizade@araku.ac.ir